

## فیتيله روراست است



یکی از دوستانم که عموهای فیتيله‌ای هشت سال در غربت همدم او و فرزندانش بوده‌اند و تلویزیون خانه‌اش بی‌وقفه برنامه‌های زنده و ضبط شده آنها را پخش می‌کرده، بی‌صبرانه منتظر است گفت‌وگوی مرا با عموهای فیتيله‌ای بخواند.

یکی از دوستانم که عموهای فیتيله‌ای هشت سال در غربت همدم او و فرزندانش بوده‌اند و تلویزیون خانه‌اش بی‌وقفه برنامه‌های زنده و ضبط شده آنها را پخش می‌کرده، بی‌صبرانه منتظر است گفت‌وگوی مرا با عموهای فیتيله‌ای بخواند.

گفت‌وگو با عموهای فیتيله‌ای به بهانه بازگشت دوباره آنها به تلویزیون بعد از یک‌سال دوری قرار بود گپی شاد و دوستانه باشد؛ اما ظاهراً آنها برخلاف برنامه‌هایشان چندان اهل حرف‌های شاد و سرگرم‌کننده نیستند.

تلاش در مقابل روحیه جدی عموهای فیتيله‌ای سودی نداشت و از آن مهم‌تر این‌که یک جمله از مسلمی پیش از گفت‌وگو باعث شد گفت‌وگوی ما سمت و سوی دیگری پیدا کند.

محمد مسلمی که کارگردانی برنامه را در کنار بازیگری به عهده دارد، معتقد است برنامه‌های کودک تلویزیون به حضور عموها و خاله‌ها خلاصه شده و این در حالی است که با وجود تفاوت‌هایی که بین برنامه فیتيله و دیگر برنامه‌های ترکیبی برای کودکان وجود دارد، اما فیتيله‌ای‌ها هم عموهای تلویزیونی بچه‌ها هستند! این گفت‌وگو با درد دل عموهای فیتيله‌ای آغاز شد، نظر علیرضا آقایی، تهیه‌کننده برنامه را به آن افزودیم و سرانجام آن را با حرف‌های تلخ عموفروتن به پایان رساندیم.

انتشار این مصاحبه شاید برای علی فروتن به دلایلی که خواهید خواند مایه خرسندی باشد، اما حتماً برای دوست من اندوهبار است!

چه چیزی باعث می‌شود از عموها و خاله‌های تلویزیون در برنامه‌های کودک انتقاد کنید؟

مسلمی: برای این‌که برنامه‌های کودک با رکود روبه‌رو هستیم. من فکر می‌کنم این وضع برای شبکه دو زنگ خطر محسوب می‌شود، چون در عرصه رقابت هستیم و ماهواره‌ها حتی برای کودکان هم برنامه پخش می‌کنند و بچه‌های ما دارند به این شبکه‌ها گرایش پیدا می‌کنند. اما ماهواره بخشی از ماجراست؛ ما از تکنولوژی عقب هستیم، با چند تا عمو و خاله که از قبل بوده‌اند، نمی‌توانیم شبکه‌ای برای کودکان داشته باشیم. تمام دنیا اخبار و برنامه کودکان را در درجه اول قرار داده و به لحاظ کیفی به آن اهمیت بیشتری می‌دهند؛ متأسفانه دیگر نه فیلم کوتاه داریم، نه برنامه‌های عروسکی زیبا داریم، نه کارهای سایه، نه قصه‌های خوب از ادبیات کهن و نه آثار فولکلور. البته چیزهایی داریم، اما خیلی کم است. به اعتقاد من، برای کشور ما که این همه هنرمند دارد و این ادبیات غنی، این میزان برنامه خیلی کم است. بیشتر بازیگران خوب ما که اکنون در سینما و تلویزیون مطرح هستند، زمانی در کار کودک فعال بودند؛ مثل علیرضا خمسه، اکبر عبدی، هرمز هدایت، آزاده پورمختار، مرضیه برومند و... متأسفانه به کار کودک کودکانه نگاه می‌شود و فضا برای فعالیت خوب و درست آماده نیست.

به اعتقاد شما فیتيله چقدر به یک برنامه ایده‌آل نزدیک شده است؟

گلی: متأسفانه برنامه فیتيله مثل بسیاری از برنامه‌های دیگر قائم به ذات خودش نیست. بخش‌هایی از چیزهایی که برای ترقی لازم داریم در اختیار سازمان صدا و سیماست، چیزهایی مثل اقتصاد فیتيله و بحث امکانات و استودیوی مناسب برای فیتيله. اگر استودیوی ۱۱ یا ۱۲ شبکه یک را داشتیم یا استودیوی ۲۵ شبکه دو از نظر نور، صدا، افکت‌هایی که می‌توان در صحنه ایجاد کرد، ابعاد استودیو و خیلی موارد دیگر کمک بزرگی بود برای این‌که بتوانیم کارهای زیادی انجام دهیم. وقتی همه چیز به ما مربوط نیست؛ بنابراین تلاش‌های ما برای رشد این برنامه تا جای مشخصی به نتیجه خواهد رسید؛ مگر این‌که تلویزیون این اجازه را به ما بدهد که به صورت مستقل عمل کنیم. اکنون سقف پیشرفت‌مان را خودمان هم نمی‌دانیم. فکرهای زیادی داریم که همه بی‌سرانجام مانده است؛ یا گیر پول است یا گیر امکانات یا هر دو!

چه ایده‌هایی؟

گلی: ما در دنیایی هستیم که بچه‌های ما هم در خطر هستند و باید برای آنها کاری کنیم. باید ببینیم بچه‌های امروز به چه چیزهایی علاقه دارند و بعد آنها را با اصول ملی و مذهبی خودمان هماهنگ کرده و خوراکی تهیه کنیم که بچه‌های ما دوست داشته باشند. ابزار و امکانات تولید در دنیا حرف اول را می‌زند و کسانی که برای بچه‌ها برنامه تولید می‌کنند، از این امکانات بسیار بهره می‌برند و چنان تصاویر زیبایی تولید می‌کنند که مخاطب محو آن می‌شود؛ اما ما برای یک کروماکی ساده باید به عجز و لابه بیفتیم و کلی زمان صرف آن کنیم در حالی که هر هفته برنامه داریم و آنتن منتظر ما نمی‌ماند؛ بنابراین باید پیش‌تولید داشته باشیم و این کار هم نیاز به برنامه‌ریزی و هزینه دارد که اگر در اختیارمان باشد می‌توانیم هر هفته خوراک تازه به مخاطب ارائه کنیم. مثلاً ما می‌خواستیم یک بخش از استودیو را به اجرای ترانه‌ها اختصاص بدهیم، اما برای استقرار همه اعضای گروه در استودیو جا نداریم.

شما هم معتقدید فیتیله از نبود بودجه و امکانات رنج می‌برد؟

فروتن: سال ۷۲ گروه تئاتری ما تشکیل شد و من از سال ۷۳ با دوستان در تلویزیون همکاری دارم. همه برنامه‌های ما تا پیش از فیتیله تولیدی بود مثل یک تابلو یک حماسه، شیرین‌تر از کلاغ‌پر، دالی، ناجورها و بعد سه دوره مختلف سریال عکاسخانه، سال ۸۰ پخش برنامه فیتیله به صورت زنده آغاز شد که تا امروز فقط با وقفه یکساله ادامه داشته است.

برنامه‌های تلویزیون از جمله فیتیله خیلی بیشتر از اینها می‌تواند رشد کند، اما یکی از مشکلات ما این است که متأسفانه سلیقه‌ها و نظرهای متفاوتی درباره برنامه‌های کودک و بویژه درباره فیتیله وجود دارد و به همین دلیل نوع برخورد با این برنامه‌ها هم متفاوت است. البته خدا را شکر مدیران تلویزیون به ما خیلی لطف داشتند و نشان داده‌اند حواسشان به ۲۰ سال کارکردن ما و ۲۰ سال تجربه تئاتری ما هست که باعث شده فیتیله تبدیل به فیتیله بشود؛ اما من به جرات می‌توانم بگویم چیزی که امروز در این برنامه به نمایش در می‌آید همه توان ما نیست. بخش بزرگی از توانایی‌ها و ایده‌هایمان را نمی‌توانیم اجرا کنیم. بجز مشکلات مالی به دلیل سلیقه‌های مختلف خیلی دست ما را بسته است و به دلیل دیدگاه‌ها نه به ما، بلکه در حق بچه‌های این مملکت اجحاف می‌شود.

مگر این نگاه‌ها چگونه است؟

فروتن: مشکل اینجاست که همه چیز را در برابر مذهب می‌بینیم در حالی که من به یاد دارم اول انقلاب وقتی عده‌ای به پخش سریال میشل استراگف اعتراض کردند، امام خمینی(ره) پاسخ اعتراض‌ها را دادند و گفتند این سریال‌ها می‌تواند آموزنده باشد و مخاطب باید با نگاه درست این سریال‌ها را تماشا کند.

ولی در مورد برنامه‌های کودک در همه جای دنیا چارچوب‌های اخلاقی پذیرفته شده است و نباید مشکلاتی از این دست وجود داشته باشد!

فروتن: بله، اما مشکل ما این است که خیلی‌ها به خودشان اجازه می‌دهند درباره این برنامه نظر بدهند و درستی آن را زیر سوال ببرند! معمولاً هم به دو نکته مهم اشاره می‌کنند تا با ایجاد حساسیت بتوانند نظر خودشان را اعمال کنند؛ هر اتفاقی را که برایشان ناخوشایند باشد در مقابله با امنیت ملی و دین اسلام معرفی می‌کنند. در حالی که مدیران صدا و سیما با شناختی که از رسانه دارند کاملاً هوشیارانه همه موارد را در نظر می‌گیرند و می‌دانند چه باید بکنند.

ما باید نگاه واقع‌گرایانه به بچه‌ها داشته باشیم تا آنها پای سریال حریم سلطان ننشینند و معیارهای خود را در این سریال جستجو نکنند. این نگاه واقع‌بینانه باعث می‌شود از درس دادن به دیگران و حرف زدن مداوم پرهیز کنیم و کمی خوشی و سرگرمی سازنده و آموزنده به مخاطب بدهیم.

آقای مسلمی فرض کنیم شما مدیر شبکه کودک هستید، چه کار می‌کنید؟

الان در شرایطی هستیم که شاید هر کسی مدیر شبکه دو باشد کار چندانی نتواند انجام دهد؛ چرا که در این باره نیازمند نگاه ملی هستیم. خطر افت آثار ویژه کودکان فقط در تلویزیون نیست، در سینما و تئاتر هم این مشکل را داریم. همه اینها به این دلیل است که دستمزدهای مربوط به کار کودک بسیار کم است. هنرمندی که یک سال حقوق نمی‌گیرد و منبع درآمدش جای دیگری است، می‌تواند این کار را ادامه بدهد و دیگری که توانش را ندارند از این حوزه خارج می‌شوند. متأسفانه بودجه برنامه‌های کودک در حدی است که بتوان یک عروسک تهیه کرد، یک دکور ساده و خاله یا عمویی که با عروسک حرف بزند، اما دنیای کودکان پر از رنگ و تخیل است...

اما مشکل کمبود بودجه همیشه وجود داشته است!

مسلمی: بله و ما هم داریم با همین شرایط کار می‌کنیم. چیزی که در توان داریم با همین بودجه‌ها اجرا می‌کنیم...

اجازه بدهید همچنان فرض کنیم شما مدیر هستید. در این صورت چه می‌کردید؟

مسلمی: سیاست‌ها را عوض می‌کردم. هزینه یکی از سریال‌های تلویزیون را به گروه کودک اختصاص می‌دادم.

اما سریال‌های تلویزیونی هم مخاطبان خودشان را دارند!

مسلمی: برنامه‌های کودک و برنامه‌های ترکیبی برای کودکان مخاطب بیشتری دارد. بودجه یک سریال می‌تواند نیازهای یک سال گروه کودک را تامین کند.

اغراق نمی‌کنید؟

مسلمی: نه، باور کنید با بودجه یک سریال براحتی گروه کودک می‌تواند برای طول یک سال برنامه‌های ترکیبی بسازد. من قبول دارم درگیر بحران هستیم، اما باید اولویت‌ها را مشخص و بر اساس این اولویت‌بندی‌ها بودجه‌ها را تقسیم کرد. برنامه‌های کودک از همه نظر افت کرده است. دو تا خاله و عمو و چند کارتون همه چیزی است که ما به بچه‌ها می‌دهیم و تازه این برنامه‌ها هم شبیه به هم شده‌اند؛ در همه این برنامه‌ها شعر می‌خوانند، دعا می‌کنند، بازی می‌کنند و... اینها دیگر ربطی به کمبود بودجه ندارد.

می‌خواهید بگویید همه این برنامه‌ها کپی عموهای فیتله‌ای هستند؟

مسلمی: نه فقط من، بلکه نظر مردم هم همین است. همه برنامه‌های کودک دارند شبیه به هم می‌شوند؛ چرا در همه این برنامه‌ها باید آواز بخوانند؟

شما فکر می‌کنید فیتله چیز متفاوتی برای مخاطبانش دارد؟

فروتن: فیتله رو راست است. فیتله پای حرف خودش ایستاده و از ترس انتقاد منفعل نشده است. فیتله هزار و یک نامه انتقادی دریافت می‌کند، اما کارش را ادامه می‌دهد.

نامه‌ها از کجا می‌رسد؟

فروتن: از همه جا...

از بیرون سازمان؟

فروتن: بله، به جرات بگویم که بزرگ‌ترین نقطه قوت و برگ برنده فیتله صداقت فیتله است.

این را بارها شنیده‌ایم، اما واقعا برنامه صادقانه ساختن یعنی چه؟

فروتن: من در طول عمرم و در تمام این ۲۰ سال یک بار هم نبوده در برنامه تلویزیون به بچه‌ها بگویم کاری را نکنید، ولی خودم آن کار را انجام داده باشم. نه تنها من بلکه کل گروه ما به این اعتقاد دارد که رطب خورده منع رطب نمی‌کند.

واقعا؟!

فروتن: واقعا. ما بیرون از تلویزیون هم همانی هستیم که شما در تلویزیون می‌بینید؛ ما اگر در مقابل دوربین می‌خندیم، اگر گریه می‌کنیم و اگر برای یک بچه اشک می‌ریزیم، دوربین هم نباشد همین هستیم. وقتی قهقهه می‌زنم یعنی واقعا شادم و مخاطب این را می‌فهمد که من واقعا دارم می‌خندم. مهم این است که ما به مخاطبان دروغ نمی‌گوییم. مخاطب کودک و نوجوان اصلی‌ترین مخاطب تلویزیون است؛ چون بزرگ‌ترها خیلی وقت تماشای تلویزیون ندارند و اگر وقتی باشد، اخبار را دنبال می‌کنند و در حاشیه برنامه‌های کودک را همه تماشا می‌کنند، چون شاد، رنگین و موسیقایی است. بنابراین کودکان و برنامه‌های کودک از همه برنامه‌های تلویزیون مهم‌تر هستند.

برای همین است که برخی شوخی‌های شما و حتی برخی بخش‌های فیتیله بیشتر به درد بزرگ‌ترها می‌خورد؟

فروتن: بله، شک نکنید. ما هفته‌ای دو ساعت برنامه داریم آن هم جمعه بعدازظهر. پس مخاطب ما فقط بچه‌ها نیستند. ۶۰ درصد از مخاطبان ما بچه نیستند، بلکه بزرگ‌ترهایی هستند که به فیتیله حس نوستالژی دارند. دو نسل با برنامه ما رشد کردند و مادری که در بچگی تماشاگر برنامه ما بود اکنون با فرزندش پای برنامه می‌نشیند. این مخاطب به ما اعتماد دارد، چون در این سال‌ها هیچ جریانی ما را عوض نکرده است.

شما می‌گویید همیشه پیشرو بوده‌اید و از وجود عموها و خاله‌ها هم راضی نیستند. پس چرا تغییری در کارتان ایجاد نمی‌کنید؟

مسلمی: قبل از فیتیله‌ها برنامه‌های متنوع زیادی داشتیم؛ مثل شهر قشنگ، ناجورها، می‌خواهم داستان بنویسم، عکاس‌خانه، دالی، چمدان، صندوق شادی و... همه این برنامه‌ها متعلق به ما سه نفر است و برنامه فیتیله‌ای یکی از کارهای ماست. از ما می‌خواهند همیشه عموهای فیتیله‌ای باشیم چون بستر برای کارهای دیگر وجود ندارد.

منظورتان از بستر چیست؟

مسلمی: یعنی آن امکاناتی که در گذشته بود، دیگر وجود ندارد و جای خودش را به اسپانسر داده است. وظیفه ما به عنوان یک هنرمند این نیست که دنبال اسپانسر باشیم. دغدغه هنرمند این است که خوراک فکری بدهد، نه این‌که مدام به فکر این باشد که برای پیداکردن ایده‌هایش پول از کجا بیاورد.

مگر خود شما به طور مستقیم با اسپانسر در ارتباط هستید؟

مسلمی: تهیه‌کننده برنامه آقای آقای با اسپانسر در ارتباط است. حرف من این است که هنرمند متعلق به مردم است و باید بتواند وقتش را به فکرکردن، ارائه ایده‌های تازه و... اختصاص بدهد. دغدغه ما نباید این باشد که برنامه‌مان امکانات کافی در اختیار ندارد. این امکانات باید مهیا شود تا ما بتوانیم کار کنیم، چون ما متعلق به تلویزیون و مردم هستیم.

وقتی تهیه‌کننده هست چرا وقتتان را به مسائل مالی اختصاص می‌دهید؟

مسلمی: برای این‌که تبعات مسائل مالی ما را هم درگیر می‌کند. تهیه‌کننده باید بتواند همه هزینه‌های طراح نور، دکور، بازیگر، نویسنده، شاعر، آهنگساز و... را تامین کند، اما در روند اداری سازمان صدا و سیما این هزینه دیر به دست هنرمندان می‌رسد و به همین دلیل همه ما درگیر مسائل مالی می‌شویم. برای ما اکنون دستیابی به امکانات اولیه مهم است و دنبال این هم نیستیم که مثل فوتبالیست‌ها درآمد میلیاردی داشته باشیم. هرچند کار ما فرهنگسازی است و حق داریم درآمد خوب داشته باشیم، اما در شرایط فعلی به برآورده شدن نیازهای اولیه‌مان هم قانع هستیم. تهیه‌کننده باید به این فکر کند که برنامه‌اش چطور می‌تواند فاخرتر شود، نه این‌که برنامه‌اش چطور می‌تواند دوام بیاورد. این مشکل فقط هم دامنگیر فیتیله نیست، بلکه مسأله‌ای است که در این بحران همه دچار شده‌ایم و همه باید به فکرش باشند. در این شرایط باید برنامه‌ها را اولویت‌بندی کرد و راه‌های رد شدن از این بحران را پیدا کرد.

آیا شرایطی که شما و دوستان به آن اشاره کرده‌اید روی کار شما به عنوان بازیگر هم تاثیر دارد؟

گلی: بارها شده به دلیل در اختیار نبودن برخی امکانات خطر کرده‌ایم یا حتی آسیب دیده‌ایم. من، آقایان مسلمی و فروتن به دلیل اصولی نبودن دکورها آسیب دیده‌ایم. چند سال پیش دکور روی سر من خراب شد و سرم شکست. فکر می‌کنید نمی‌شد در اثر این اتفاق بمیرم؟ کافی بود ضربه به گیجگاهم می‌خورد! به نظرم باید به صورت زیرساختی و زیربنایی همه چیز را تغییر داد. تولیدات قدیمی تلویزیون را ببینید، چرا اکنون چنین برنامه‌هایی ساخته نمی‌شود؟ آیا توانش نیست؟ نمی‌گوییم برنامه‌های اکنون ضعیف هستند، نیازمندی‌ها بالا رفته و سطح خواسته و نیاز مخاطب بشدت رشد کرده است. به اعتقاد من فاصله‌ای بین ما و گذشتگان مان هست که قیاس با آنها برای من بسیار ترسناک است؛ من خودم را با کدام‌یک از هنرمندان پیشکسوت در این عرصه می‌توانم مقایسه کنم؟ مثلاً با مرحوم ژيان! نه اصلاً جرات این کار را ندارم.

چرا نتوانستید به حد ایشان برسید؟

گلی: بین ما فاصله‌ای هست که نمی‌فهمم کجای ماجرا ایستاده‌ام. بگذارید مثالی بزنم: وارد بوستان یا گلستان می‌شوید و قصد انتخاب گل دارید، بنابراین سه گزینه برای انتخاب بهترین گل دارید، بو، رنگ و شکل. کار خیلی سخت می‌شود، اما به نظرم طیف

برنامه‌هایی که برای بچه‌ها تولید می‌شود باید با این کیفیت باشد. کارهایی که پیشکسوتان ما در زمان خودشان انجام داده‌اند، آنقدر سطحش بالاست که مقایسه با آنها جفاست. هنر امروز من انعکاس هنر آنهاست؛ من زمانی پای برنامه‌های این پیشکسوتان نشسته‌ام. علیرضا توپچیان، مرحوم ژیان و آثاری مثل خانه عروسک‌ها یا برده رقصان دیده‌ام. امروز اگر هنری از ما دیده می‌شود نتیجه نگاه تربیتی همین تلویزیون است که برای ما تالیف کرده بود. برنامه‌های تولیدی مثل برده رقصان نداریم، برنامه‌ها زنده هستند و سریع اجرا و پخش می‌شوند. اکنون تله‌تئاتری به این بزرگی نداریم. برده رقصان در یک استودیوی کاملا حرفه‌ای در زمان خودش تولید شد که البته هنوز هم یک استودیوی کاملا حرفه‌ای با طراحی عالی است؛ اما برنامه‌های کودک و نوجوان امروز در بهترین استودیوهای زمان خودشان تولید نمی‌شوند. اگر زیرساخت‌ها درست و از هنرمندان پیشکسوت دعوت به همکاری شود و امکانات لازم و کافی در اختیارشان قرار بگیرد ما برنامه‌هایی خواهیم داشت که بچه‌ها را راضی کند و دیگر به سراغ برنامه‌های ماهواره‌ای نروند.

وجود اسپانسر می‌تواند بسیار موثر باشد. چرا از این امکان تازه استفاده نمی‌کنید؟

مسلمی: بله، وجود اسپانسر هیچ اشکالی ندارد و در کشورهای دیگر هم هست. ما سعی می‌کنیم هنرمندان محصولات اسپانسر را به مخاطب معرفی کنیم و آنها هم به هدفشان برسند، اما باید این مسئله مدیریت بشود. کار آنها هم قابل قدردانی است چون در یک برنامه فرهنگساز مشارکت می‌کنند. اگر سازمان بخواهد اسپانسر داشته باشد، ما که نمی‌توانیم در سیاست‌های سازمان دخالت کنیم، می‌تواند اسپانسری را معرفی کند که به کار ما نزدیک باشد. وقتی همه در شرایط نامطلوبی هستیم باید با شرایط کنار بیاییم.

چرا هنرمندان پیشکسوت به تلویزیون بر نمی‌گردند؟

مسلمی: اگر شرایط مناسب باشد همه بر می‌گردند.

باز هم بر می‌گردیم به مسئله مالی!

مسلمی: بله و دوباره همین جمله که تا وقتی برآورد مالی برنامه‌های کودک &#171;جیم» باشد، همه در این کار &#171;جیم» می‌شوند.

شما گفتید برنامه فیتیله با ایده‌آل شما فاصله زیادی دارد. فرض کنید همه امکانات و بودجه مورد نیازتان در اختیارتان گذاشته شود، در آن صورت با چه جور تغییراتی رتبه برنامه را به ۱۰۰ می‌رسانید؟

مسلمی: در تمام حوزه‌ها از بهترین‌ها دعوت می‌کنیم. به عنوان مثال آهنگسازی هست که با پنج میلیون تومان آهنگ می‌سازد، دیگری با ۲۰۰ هزار تومان، گرافیک و طراح هم همین‌طور. وقتی مشکل مالی نداشته باشیم، می‌توانیم از فانتزی و تخیل بهره بگیریم. ما داریم با همه سرمایه خود کار می‌کنیم و گرنه عموهای فیتیله‌ای می‌توانند تبدیل به انیمیشن بشوند، گروه ارف داشته باشیم با سازه‌های کودکانه. برای کارتون تام‌وجری ارکستر سمفونیک دعوت به همکاری می‌شود، اما ما برای کارهایمان نمی‌توانیم از یک گروه حرفه‌ای استفاده کنیم. برای این‌که به کار برای بچه‌ها جدی نگاه نمی‌کنیم. نه تنها در تلویزیون! در سینما و تئاتر هم وضع همین است. تئاتر شهر یک کار کودک ندارد، فقط تالار هنر را داریم که خالی مانده است در حالی که در کشورهای اروپایی دیدیم چطور پدر و مادرها برای بچه‌ها از شش ماه قبل وقت تئاتر می‌گیرند و سالن‌ها پر است.

چرا شما در این حوزه ماندگار شده‌اید؟

مسلمی: به ۲۲ ساله مربوط است که در کنار بچه‌ها بوده‌ایم و فکر می‌کنم حتی اگر شرایط بدتر هم شود باز ما ماندگار خواهیم بود. چون ما این دردها و دغدغه‌ها را می‌دانیم. مثل دکتری که بداند بیمارارش در حال احتضار است حتی اگر بداند برای عمل جراحی چاقو و قیچی هم در اختیار ندارد باز بالای سر بیمارارش می‌ماند و با او همراهی می‌کند. تخصص ما همین است باید در این رشته کار کنیم و اکنون اگر چیزی می‌خواهیم برای خدمت به بچه‌ها و مردم است. برای تغییر ساختار، بخش‌های جدید اضافه کرده‌ایم؛ آقای جالب، آقای کنجکاو، آقای نقاش، سفرنامه، گزارش و بازی‌های قدیمی. همیشه تلاش ما این بوده که خودمان را تکرار نکنیم. در ساختار هم فکرها و ایده‌های زیادی هم داریم.

آقای آقای، شما به عنوان تهیه‌کننده از حمایت اسپانسر هم بهره‌مند هستید، اما همچنان گروه‌تان با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کند. مالک کارخانه‌ای که اسپانسر برنامه شماست، کودکی سختی داشته و شخصیت ویژه‌ای دارد. فکر نمی‌کنید می‌توانید از این مسئله به سود برنامه استفاده کنید و امکانات بیشتری بگیرید؟ قطعاً نگاه فرهنگی اسپانسر می‌تواند به شما کمک کند که دیگر درگیر این نباشید که حقوق نویسنده را می‌توانید پرداخت کنید یا می‌توانید دستمزد آهنگساز را بدهید؟

آقای: نگاه اسپانسر در دنیا با آنچه ما در ایران داریم کاملا متفاوت است. در ایران این دیدگاه که بخشی از اقتصاد با حمایت از مقولات فرهنگی می‌تواند متحول شود و ارتقا پیدا کند، کاملا جدید است. مگر نگاه تبلیغاتی به این شکل چقدر در کشور ما سابقه دارد و اصلا چرا راه دور برویم. تلویزیون از چه زمانی پذیرفته که تیزر تبلیغاتی پخش کند؟

زمان چه اهمیتی دارد؟ مگر ما از کی در خانه‌هایمان رایانه داریم که امروز پدرزرها و مادرزرها ما هم با آن کار می‌کنند و حتی فضای اینترنت را هم می‌شناسند؟

آقای: مثال شما اشتباه است! دانش رایانه دانش سریعی است، اما دانش اقتصاد این‌طور نیست. فاصله ما با علم کامپیوتر در دنیا یک ماه و نیم است، اما فاصله اقتصادی ما با کشورهای پیشرفته بسیار زیاد است؛ علم اقتصاد به کندی منتقل می‌شود.

اما مشکل این است که مشارکت اسپانسر در کشور ما دقیقا برعکس است! به جای این‌که اسپانسر برنامه فیتیله اعلام کند از برنامه شما حمایت می‌کند و مثلا روی بسته محصولاتش عکس عموهای فیتیله‌ای را چاپ کند، شما مجبورید محصولش را در برنامه به مخاطب معرفی کنید!

آقای: خب برای این‌که ما تازه فهمیده‌ایم از فرهنگ می‌توانیم برای درآمد و ارتقای اقتصادی استفاده کنیم. بگذارید مثالی بزنم؛ یونیسف یک جایگاه فرهنگی دارد و پول می‌گیرد برای این‌که یک تیم فوتبال یا یک برنامه تلویزیونی بگوید من حامی یونیسف هستم! بارسلونا برای تبلیغ روی لباسش پول می‌گیرد؛ اما پول می‌دهد که روی لباسش بنویسد یونیسف؛ اما چنین اتفاقی در ایران نمی‌افتد. اعضای گروه فیتیله ۲۲ سال است با هم کار می‌کنند دهمین سال حضور در تلویزیون را پشت سر می‌گذارند و تازه توانسته‌ایم از عنوان فیتیله برای تبلیغات بهره بگیریم. تازه اکنون فیتیله می‌تواند روی در یک رستوران تبلیغ داشته باشد و به فروش رستوران کمک کند، رقمی بر اساس قرارداد بگیرد و آن رقم را صرف یکی از بخش‌های برنامه کند.

مالک کارخانه‌ای که اسپانسر برنامه ما شده هم از این ماجرا جدا نیست و آرام‌آرام دارد آن را درک می‌کند و اگر این تفاهم رخ بدهد، باید حقوقمان را تعریف بکنیم مثلا این‌که حق فیتیله برای این‌که تصویرش روی محصولات کارخانه باشد، چیست! چنین تعریفی در ایران وجود ندارد. هنرمندان ما اجازه ندارند از تصویرشان برای تبلیغ کالا بهره بگیرند در حالی که هنرمندان در همه جای دنیا درآمدشان از تبلیغات است، نه از کارهای فرهنگی و فیلم و سریالی که بازی می‌کنند. اکنون من، همکاران هنرمند و مدیرانم باید آرام‌آرام این کار را تجربه کنیم و در مقابل انتقادهای دیگران، مثلا شما خبرنگارها هم مقاومت کنیم که چرا فیتیله مشارکتی شده!

فیتیله تنها برنامه گروه کودک است که برآورد آن بیشتر از برنامه‌های دیگر است و شاید به همین دلیل عده‌ای از حضور اسپانسر انتقاد می‌کنند!

آقای: به همین دلیل است که با این قدرت داریم برنامه را پیش می‌بریم. جمعه از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در برنامه فیتیله فقط فیتیله‌ای‌ها را می‌بینید. مثل برنامه‌های دیگر ده دقیقه پلاتو ندارید، بعد کارتون و... فیتیله ۱۲۰ دقیقه فیتیله است. تولید دو ساعت برنامه کار ساده‌ای نیست و بخش‌هایی که هیچ‌کدام به لحاظ حال و هوا، لوکیشن و... به هم ربط ندارند! در این برنامه شما یک بخش می‌بینید که مربوط به دامغان است. بعد ماجرای را در استودیو می‌بینید، بعد از آن کلیپی در گلستان! مشکلات تهیه برنامه‌ای با این حجم تولید بسیار زیاد است. ۱۸۰ نفر با فیتیله همکاری دارند. از شاعر و نویسندگانی که مقطعی با ما همکاری می‌کنند تا عموها که همیشه هستند. فقط برای یک کلیپ کروماکی ۲۵ نفر زحمت می‌کشند. ۴۰ آهنگساز با ما همکاری می‌کنند. اسم‌های بزرگی در تیتراژ ما دیده می‌شود. این چرخ بزرگ دارد با همین شیوه و ساختاری که برای همکاری با اسپانسر تعریف شده، می‌چرخد.

شاید مدیران تلویزیون نگران ارتباط مستقیم برنامه‌سازان با اسپانسرها هستند!

آقای: رابطه فیتیله و تلویزیون دو سویه است. یک رابطه دو سویه و یک نیاز دو سویه، همان‌طور که یک فرزند همیشه به مادرش نیاز دارد یک مادر هم همیشه به فرزندش نیاز دارد، نه برای این‌که فرزند دست فرزندش را بگیرد برای این‌که مادر بودن یعنی فرزند داشتن و اگر فرزند نداشته باشد اصلا مادر نیست! این رابطه دو سویه است و نیازمند درک دو سویه است. فیتیله تبدیل به یک نشان شده و ما این را می‌دانیم؛ بنابراین ارتباط با اسپانسر هیچ مشکلی برای تلویزیون ایجاد نمی‌کند. فقط قواعد سازمان این‌طور بنا شده و ما هم طبق همین قاعده فعالیت می‌کنیم.

علی فروتن: خیلی‌ها فکر می‌کنند ما از فیتیله درآمدهای آچنانی داریم. ما به فیتیله معتادیم، چون کارکردن برای کودکان اعتیادآور است! پیامک‌های برنامه را اگر بخوانید متوجه می‌شوید مردم چه چیزهایی برای ما می‌نویسند. بخش فیتیله محبت را می‌بیند، اما کسی از پشت صحنه‌اش خبر ندارد، با همه اینها زن و بچه من حق حیات دارند و گناه نکرده‌اند من عمو فروتن هستم و بعد از ۲۲ سال کار در تلویزیون هنوز بیمه ندارم، حقوقم را با تاخیر می‌گیرم و در کشورم چیزی به اسم کیی رایت رعایت نمی‌شود و من نمی‌توانم از

فروش آثارم درآمد داشته باشم، شرایط یک هنرمند این است؛ برای همین بیشتر مردم ترجیح می‌دهند فرزندشان فوتبالیست شود.

آذر مهاجر - گروه رادیو و تلویزیون